

زنان در نیروهای مسلح شاهنشاهی ایران

قابل توجه بازدید کنندگان گرامی: بعلت کثرت مطالب در آرشیو ما، این بخش هرچندگاه یکبار تکمیل و تصحیح میگردد. لطفا مجدداً از این بخش در ماههای آینده دیدن فرمائید. آخرین تغییر در تاریخ: 26/9/2004

از قرائن چنین برمیآید که ارتش ایران اولین ارتش در جهان بوده که زنان را در صفوف خود به خدمت گرفته است، چرا که دریاسالار آرتیمز در ۴۸۰ سال قبل از میلاد مسیح فرماندهی نیروی دریائی ایران را بعهده داشته است.

در کتابهای تاریخ ایران باستان و ۵۰ سشال دریانوردی ایران مینویسند در دوران هخامنشیان در سرزمین "کاره" یکی از قسمتهای آسیای صغیر (سوریه فعلی) که پایتخت آن "هالیگاراناس" نام داشت پادشاهانی حکومت میکردند که تابع حکومت شاهنشاهی ایران بودند و به ایران خراج میدادند و ملکه آرتیمز یکی از فرمانروایان این مرز و بوم بود. در جنگ ایران و یونان هنگامی که فرمان بسج دریائی داده شد، ملکه آرتیمز با پنج فروند کشتی جنگی که خود فرماندهی آنها را برعهده داشت به نیروی دریائی با عظمت خشایارشا پیوست و در جنگ سالامین آنچه شهامت و شجاعتی از خود بروز داد که مورد تحسین دوست و دشمن قرار گرفت و حتی در سخت ترین شرایط با تهور و چالاکی تمام قسمتی از نیروی دریائی ایران را از خطر نابودی نجات داد و بهمت و کمک وی بود که دامنه قدرت و نفوذ امپراطوری هخامنشیان به مرزهای آبی غرب یونان رسید. به این مناسبت ملکه آرتیمز به کسب افتخار فرمان دریاسالاری از طرف شاهنشاهی ایران نائل آمد و اولین بانویی است که در تاریخ دریانوردی جهان سمت فرماندهی دریائی داشته است.

بهمین عنوان با اعلام تساوی حقوق سیاسی زن و مرد ایرانی از سوی شاهنشاه آریامهر، نیروی دریائی شاهنشاهی ایران ناوشکن بزرگ خود که ناو سرفرماندهی نیرو نیز بحساب میآید را بنام "آرتیمز" نامگذاری کرد. لازم به تذکر است که در سنت دریانوردی مرسوم است زنی در وقت به آب انداختن کشتی و یا ناو جنگی با رها کردن و کوفتن يك شیشه گلاب یا شامپاین به دماغه ناو آنرا به آب میاندازد و مادر ناو لقب میگردد، کماینکه ناوشکنهای عظیم ایرانی هم هر يك يك نام زنی را که مادر ناو است بر خود دارند. شاهزاده خانم شهناز مادر ناو سام، اولین ناوشکن موشک انداز ایران ند و شاهدخت فاطمه پهلوی مادر ناو رستم و زال دو ناو پر قدرت ایرانی، و والا حضرت شاهدخت شمس پهلوی مادر ناو فرامرز و خانم پروین افشار مادر ناو بندرعباس بودند.

آرتیمز تنها زن ایران باستان نبود که در صفوف ارتش ایران در کنار دلیر مردان ما برای دفاع از خاک میهن جنگیدند. تاریخ نظامی ایران زمین نام دهها تن از این بانوان غیور را در خود به ثبت رسانده است که اسامی تعدادی از آنها چنین است:

- * پانته آ (زن ژنرال آرسیاب) زمانی فرمانده ای گارد جاویدان سلسله هخامنشی را بعهده داشت.
- * آرتونیس (همسر آرتاباز یکی از سپهبدان داریوش) در زمان داریوش کبیر یکی از فرماندهان شجاع سپاه ایران بود.
- * پری ساتیس زن داریوش دوم درجه ارتشیدی داشت.
- * امستریس دختر پری ساتیس و داریوش دوم نیز در سپاه ایران فرمانده بود.
- * استاتیرا دختر داریوش سوم نیز از فرماندهان سپاه پارس بود.
- * سورا دختر اردوان پنجم، دست راست پدر بود و در جنگها دلاورانه همراه پدر می جنگید و سمت سپهبدی داشت.
- * آپارنیک همراه رستم فرخزاد همچون يك شیر زن تا آخرین قطره خون با اعراب متجاوز دلیرانه جنگید.
- * نکان زن دیگری بود که در جنگ چریکی علیه عربها جنگید.

زنان در ارتش نوین ایران:

از زمان تشکیل ارتش نوین ایران و در طول سلطنت پرافتخار خاندان پهلوی زنان دلیر ایران با حضور همیشگی خویش در یگانهای مختلف نیروهای نظامی و انتظامی و همراه و همگام با مردان کشور خود سهم بزرگی را در دفاع از خاک مقدس میهن آریائیمان عطا کرده و در این راه حتی جانفشانی هایی نیز نموده اند.

اولین سرتیپ زن ایرانی تیمسار سرتیپ مرضیه ارفع بود. وی در سال ۱۳۱۲ بدستور رضاشاه کبیر با درجه همدیف سروانی مشغول بخدمت در ارتش شاهنشاهی گردید و در حقیقت این آغاز فعالیت زنان در ارتش شاهنشاهی بود. در سال ۱۳۳۸ بعنوان اولین زن ایرانی بدرجه سرتیپی ارتقاء یافت و در سال ۱۳۴۱ پس از ۳۰ سال خدمت در ارتش شاهنشاهی از خدمت بازنشسته شد. وی در تاریخ ۲۳/۲/۱۳۵۷ چشم از جهان فرو بست.

با این حال تا سال ۱۳۴۸ ورود دخترها به دانشکده افسری نیروی زمینی مقدور نبود. در اول مهرماه ۱۳۴۸ برای اولین بار تعدادی از فارغ التحصیلان دوشیزه ایرانی به دانشکده افسری وارد و در پایان دوره تحصیلی به دریافت درجه ستوان ۲ مفتخر شدند.

راه خدمت زنان در رشته پزشکی ارتش شاهنشاهی از سال ۱۳۱۴ توسط بانو عدرا دفتری با یاری سرلشکر دکتر دفتری گشوده شد و از آن پس آموزشگاه بهیاری نیروی زمینی شاهنشاهی زنان را بصورت شبانه روزی و پرداخت کمک هزینه با شرایط مناسب میپذیرفت.

دختران سپاهیان انقلاب سفید:

تا سال ۱۳۵۷ دختران سپاهی در ۱۰ مرکز آموزش نظامی در تهران و دیگر شهرها بطور شبانه روزی سرگرم آموزش نظامی و دروس حرفه ای خویش بوده و زندگی با نضباطی داشتند. شیپور بیدار باش ساعت پنج صبح زده میشد و دختران لباسهای متحدالشکلی را به تن کرده و برای شرکت در مراسم صبح گاهی آماده میشدند. دو روز در هفته را در اختیار ارتش بودند و تمرین نظامی میکردند و چهار روز دیگر را به فرا گرفتن دروس مختلف میرداختند. در تمام ساعات خدمت دختر سپاهی همچون يك سرباز مسئول و با انضباط از آداب و قوانین نظامی تبعیت میکرد و جالب آنکه همه زنان و دختران با خاطرات خوش و فراموش نشدنی از این دوره یاد میکنند. تا قبل از بروز فاجعه ۵۷ در مرکز آموزش دختران سپاهی در تهران ۲۰۰ نفر بطور شبانه روزی سرگرم آموزش بودند.

دختران سپاهی دانش:

۶ خرداد ۱۳۴۷ تاسیس سپاه دانش دختران و بانوان مشمول خدمت که به دریافت دیپلم تا دکترا نائل آمده بودند، برای يك خدمت ۶ ماهه در روستاهای کشور تصویب و برای اجرا به دولت ابلاغ شد و بالاخره از روز شانزدهم مهرماه ۱۳۴۷ صدها تن از بانوان ایرانی با پوشیدن یونیفورم خدمت آمادگی خود را برای ترویج سواد و بهداشت در روستاهای دور دست کشور اعلام نمودند. دولت برای این امر ۲۷۰۰ دختر داوطلب میخواست، و در این روز بدین منظور ده هزار نفر با میل خود اسم نویسی کرده و از ساعت ۷ صبح دسته دسته در مقابل دبیرستان نظام واقع در خیابان سپه جمع شده و ازدحام

بی سابقه ای را بوجود آوردند. حتی مسئولین امر تصور نمیکردند که در آغاز این برنامه انقلابی و اجتماعی اینهمه دختر داوطلب خدمت شوند و این استقبال پرشور روی زن ایرانی را در چشم جهانیان سفید کرد و باعث غرور و افتخار زن آزاد شده ایران شد.

از اولین دوره خدمت دختران سپاهی تا پایان سال ۱۳۵۵ حدود ۴۰,۰۰۰ دختر جمعا بعنوان سپاهیان انقلاب سفید شاه و مردم خدمت سپاهی کردند که تعداد سپاهیان دختر شاغل در روستاها به رقمی در حدود ۹۸۶,۳۵ نفر میرسد. بعلاوه تنها در همان سال تعداد ۳,۰۷۱ دختر سپاهی در دوازده مرکز آموزش دختران مشغول آموزش بودند.

دختران سپاهی دوره هفدهم در فروردین سال ۱۳۵۶ به روستاها اعزام شدند و داوطلبین دوره هیجدهم از اسفند ۱۳۵۵ برای خدمت زیر پرچم نام نویسی کردند. دختران سپاه دانش معمولا دوره آموزش شش ماهه ای را در دو قسمت تخصص و نظامی میگذرانند. در آموزش تخصصی ۵۰۰ ساعته روشهای تدریس، جامعه شناسی و تعاون و امور اداری و فوق برنامه را میاموختند و در آموزش نظامی ۲۵۶ ساعته، دفاع از خود، آئینهای نظامی و اسلحه شناسی و تیراندازی را فرا میگرفتند. این دختران وظیفه شناس و میهن پرست و انسان دوست در دورترین روستاهای کشور خدمت کرده و در بهبود اجتماعی جامعه دهات ایران نقش موثری را ایفا نمودند.

دختران سپاهی بهداشت:

تعداد دخترانی که زیر عنوان سپاهیان بهداشت در دهات ایران خدمت میکردند تا استفند ۱۳۵۵ به ۴۳۰۰ نفر رسیده و اینها دختران و زنان پزشک، قابله، متخصصین علوم آزمایشگاهی، پرستاری، تغذیه و روانشناسی بودند بعلاوه دیپلمه هائی که برای انجام خدمات بهداشتی دوره و آموزش لازم را دیده بودند. پانزدهمین دوره خدمت سپاهیان بهداشت از مهر ماه سال ۱۳۵۵ شروع شد و دختران در این دوره در ده مرکز آموزش و پادگان نظامی بطور شبانه روزی زندگی میکردند و آموزش میدیدند و تعداد دختران تحت تعلیم در مراکز دهگانه آموزش و پادگانهای نظامی تا اسفند همان سال ۹۸۰ نفر بود که اندکی بعد محل خدمت خود اعزام گردیدند. دختران دیپلمه سپاهیان بهداشت خدمتشان بطور شبانه روزی بود و هفته ۲۴ ساعت مرخصی داشتند ولی بانوان لیسانسه و دکتر که شوهر داشتند شب به خانه خود رفته و اگر بچه داشتند میتوانستند بچه های خود را روزها بمرکز آموزش بیاورند تا از بچه هایشان در مهد کودکهای مراکز آموزش نگهداری شود.

دخترهای دیپلمه این سربازهای بهداشتی در پایان دوره ششماهه آموزشی به سه گروه تقسیم میشدند که عبارت بودند از:

۱- مروجین تنظیم خانواده ۲- ماما سپاهی ۳- آمارگران بهداشتی.

در برنامه کار مروجین بهداشت با اینکه اولویت با اجرای برنامه تنظیم خانواده بود معهدا دختران در امور واکسیناسیون، بازدید منزل، بهداشت مادران حامله و تغذیه کودکان و هدایت آنها بمرکز بهداشت خانواده نیز فعالانه میکوشیدند. پس از شش ماه آموزش در مرکز دختران مروج و آمارگر بهداشتی برای رفتن به روستاها آماده میشدند، ولی ماما سپاهی سه ماه اضافه دوره داشت تا با فوت و فن زایمان و کمک به زن حامله و بهداشت او آشنا شود. از میان ۱۰۰ دختر سپاهی ۵٪ گروهبان یکم، ۱۰٪ گروهبان دوم و ۸۵٪ گروهبان سوم میشدند و بسیاری از آنها بخشها و روستاهای مورد علاقه خود را شخصا انتخاب میکردند و غالبا ترجیح میدادند به روستاهای دور افتاده بروند تا به مردمی که کمتر از مزایای اجتماعی بهره مند هستند کمک کنند و بسیاری از آنها پس از خاتمه دوران خدمت در همان روستا میماندند و به استخدام وزارت تندرستی و رفاه درمیآمدند.

مروجین جمعیت و تنظیم خانواده اکثریت گروه دختران سپاهی بهداشت را تشکیل میدادند. تعداد ۲۴۴۰ نفر دختر پزشک و مروجین خانواده پس از ۶ ماه تعلیم و آموزش طی سال ۱۳۵۵ به روستاها و بخشها رفتند که کارشان تشویق زنان روستائی به استفاده از وسایل ضدبارداری و تشویق آنها به مراجعه به کلینیکهای مادر و کودک بود. آنها فقط در سال ۱۳۵۳ در سراسر کشور دویست هزار زن مراجعه کننده به درمانگاه برای استفاده از قرصهای ضدبارداری داشتند و بیش از پانصد هزار بار به در منازل روستائیان رفته و با زنان روستائی درباره فوائد جلوگیری از تولد اولاد زیادی گفتگو کردند. دخترها جلسات تعلیم و آموزش را در کلینیک و در خارج از کلینیکها برگزار میکردند و فقط در یکسال نزدیک به ششصد هزار شرکت کننده در جلسات آموزش گروهی داشته اند.

واکسیناسیون و تهیه شناسنامه بهداشتی هم کار دختران کمک پزشک سپاهی بهداشت بود. از میان دخترهای کمک پزشک گروهبان سوم زهرا بحری آب کناری در دو دوره ۵۴-۱۳۵۵ افتخار آفرین شد و در ضمن آنکه در ده فرنج خمین خدمت میکرد آنقدر محبوبیت پیدا کرد که مردم ده او را بعنوان کدخدا انتخاب کردند.

دختران آمارگر کمترین تعداد گروه دختران سپاهی بهداشت را تشکیل میدادند و کارشان تهیه آمار تنظیم خانواده بوده است. تعداد آنها در تمام ایران در سال ۱۳۵۵ تنها ۲۰۰ نفر بود.

ماما سپاهی ها درخشانترین چهره های دختران سپاهی بودند زیرا که کمبود قابل توجه قابلها را در دهات ایران جبران میکردند و از مرگ و میر زنان حامله و نوزادان آنها جلوگیری مینمودند. بهترین نمونه این گونه دختران خدمتگزار و نوع دوست گروهبان صغری کشاورز ماهورانی است که در تاکستان قزوین برای ۳۰ هزار نفر خدمت کرده و طی پانزده ماه به ۹۰ زایمان بدون مرگ و میر با جدیت و لیاقت تمام کمک کرده است.

دختران نوابان نیروی دریائی:

قرنها پس از آرتیمز دیگر زنی به نیروی دریائی ایران راه پیدا نکرد. اوایل سالهای ۵۰ تعدادی از زنان دریانورد در ناو "فارور" شیروخورشید سرخ ایران مشغول کار شدند و اندکی پس از آن نام ۵ دختر نوابان ایرانی در تاریخ دریانوردی کشورمان ثبت گردید و از آنان بعنوان پیشقراولان دریانورد در عصر جدید یاد میشود. این ۵ دختر جوان ایرانی که با درجه نوابان دومی وارد خدمت در نیروی دریائی شاهنشاهی شده و اولین نوابان های زن بودند، پس از تعلیمات مشکل و گذراندن امتحانات در ایران و آمریکا شایستگی دریافت مقام افسری در نیروی دریائی را احراز کرده و در مشاغل لجستیکی و پشتیبانی از ناوهای جنگی خدمت مینمودند.

آنها پس از گذراندن تحصیلات دانشگاهی خود در ایران و دوره دو ساله آموزشی در مدرسه افسران داوطلب در "نیوپورت" آمریکا و دانشگاه دریائی "مونتره" کالیفرنیا وارد خدمت در نیروی دریائی ایران شدند و در پست های خود در بندرعباس و بندر پهلوی و تهران مستقر گردیدند و در رشته های کمیسر دریائی و در بخش تدارکات ناو، لجستیکی و کارگزینی و آموزشی نیروی دریائی شاهنشاهی آغاز بکار نمودند.

این ۵ نوابان زن نیروی دریائی شاهنشاهی عبارت بودند از:

نوابان شیرین پورسپاهی - دیپلمه دبیرستان شاهدخت و لیسانسه ادبیات و علوم انسانی از دانشگاه تهران. او اولین دختری است که در شرایط سخت و مشکل زندگی در بندرعباس داوطلب خدمت شد و بعنوان آجودان فرمانده ناوهای خلیج فارس مشغول بخدمت گردید.

نوابان شهین دخت فاضل خسروی - از مدرسه عالی ادبیات و زبانهای خارجی فارق التحصیل شد و پس از طی دوره آموزش به درجه افسری نایل آمده و در کارگزینی نیروی دریائی خدمت مینمود.

نوابان آذر دخت نوروزی تیموری - فارق التحصیل مدرسه عالی پارس در رشته زبان و ادبیات انگلیسی که در بخش آموزشی آموزشگاه همافری نیروی

دریائی در بندر پهلوی آغاز بکار کرد .
ناوبان هاجر مستانه لاریجانی - لیسانسیه تغذیه از مدرسه عالی دختران که در قسمت لجستیکی نیروی دریائی آغاز بخدمت نمود .
ناوبان ثریا واعظی - لیسانسیه شیمی از دانشگاه تهران . او در دوره آموزشی در نیوپورت آمریکا در میان يك گروه سی نفری شاگرد اول شده و استعداد زیادی در خدمات نیروی دریائی از خود بروز داد .
لازم بیادآور است تا قبل از انقلاب سال ۱۳۵۷ بیش از ۱۰٪ پرسنل در حال آموزش مجتمع آموزشی نیروی دریائی شاهنشاهی در بندرپهلوی را زنان تشکیل میدادند .

زنان در نیروی هوایی شاهنشاهی:

از سال ۱۳۴۵ برای نخستین بار در نیروهای مسلح شاهنشاهی در برنامه پذیرش جوانان برای طی دوره های تخصصی هوایی و خدمت در کادر ثابت این نیرو از دختران داوطلب نیز دعوت بعمل آمد و دختران داوطلب طی يك دوره دو ساله استوار شده و سپس جهت تکمیل تحصیلات هوایی به آموزشگاه افسری فنی نیروی هوایی میرفتند و پس از طی دوره دو ساله آموزش افسری به درجه ستوان دومی مفتخر میشدند . بالاترین درجه دخترها در این قسمت ستوان دومی بود ولی در سالهای بعد با کسب تجربه و آموزش افسری و ابراز لیاقت بیشتر درجات آنها تا تیمساری نیز میتوانست بالا رود . دختران همافر در قسمتهای ارتباطات و مشاغل فنی نیروی هوایی بکار مشغول بودند و عده ای از دخترهای دیپلمه نیز وارد آموزشگاه همافری که یکی از رشته های فنی هوپیمائی است شده و به درجه همافر سومی رسیدند .
عده ای از دختران دارنده سیکل دوم به بالا به آموزشگاه گروهبانی وارد و با درجه گروهبان دومی فارق التحصیل گردیدند . گروه زیادی از دختران نیز در آموزشگاه بهیاری و آموزشگاه عالی پرستاری نیروی هوایی شاهنشاهی بخدمت مشغول بودند .
اولین زنی که در نیروی هوایی به درجه سرهنگی مفتخر شده است سرهنگ دوم دکتر پروانه نوروار است . پس از ایشان چند نفر از خانمهای پزشک در نیروی هوایی شاهنشاهی تا درجه سرهنگ دومی ارتقا یافتند .
همچنین تا قبل از انقلاب سال ۱۳۵۷ تمامی پرسنل آموزشگاه مهمانداری نیروی هوایی شاهنشاهی را زنان تشکیل میدادند .

منابع:

- هفته نامه زن روز - چاپ ایران ، شماره های قبل از بهمن ۱۳۵۷